

هستی و چیستی

در این درس می‌خوانیم

تعیین نسبت میان وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) در موجودات
تشخیص دو مفهوم هستی و چیستی در یک موجود و نحوه حمل وجود و هستی بر ماهیات مختلف

مشاوره

بارم این درس در امتحان نوبت اول ۳ نمره و در نوبت دوم (نهایی) ۱ نمره است.

• موضوع دانش فلسفه، «هستی» یا «وجود» است:

دانش فلسفه ← وجودشناسی

• معرفت‌شناسی هم که درباره حقیقت علم صحبت می‌کند، بخشی از وجودشناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم خود قسمی از اقسام وجود است. بنابراین:

وجودشناسی ← معرفت‌شناسی ← حقیقت علم

• مباحث اصلی فلسفه (مباحث پیرامون وجود) شامل مباحثی مانند رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات، مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان می‌شود.

هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت و درک دو مفهوم «هستی (وجود)» و «چیستی (ماهیت)» است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

ماهیت و چیستی

• ماهیت عبارت است از چیستی هر شیء. مثلاً در زندگی، همیشه «چیزهایی» در اطرافمان وجود دارند و به حسب نیاز از آن‌ها استفاده کرده و نیازمان را برطرف می‌کنیم که واقعی هستند مانند آب، درخت، میوه و... و برخی چیزها هستند که واقعی و موجود تصور کرده‌ایم در حالی که خیالی و غیرواقعی هستند؛ مانند ققنوس، سراب و...

پس: ماهیات موجود در ذهن به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱ ماهیت‌هایی که در جهان خارج از ذهن وجود دارند (واقعیت یا واقعیت‌هایی وجود دارند) مانند اشیای جهان اطراف ما
- ۲ ماهیت‌هایی که در جهان خارج از ذهن وجود ندارند (فرض وجود برای چیزی موجب نمی‌شود که آن چیز، موجود واقعی باشد بلکه ممکن است زائیده تخیلات افراد باشد) مانند دیو، سیمرغ و...

وجود و هستی

وجود مفهومی است که دلالت بر هستی یک موجود دارد؛ مثلاً وقتی به حیوانی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «این چیست؟» به این امر اشاره کرده‌ایم که وجود و هستی را برای آن حیوان در نظر گرفته‌ایم و حال با توجه به موجود بودن آن حیوان، به دنبال شناخت ماهیت و چیستی آن هستیم.

نکته مفهومی

مفهومی که در قضایای مربوط به وجود در جایگاه موضوع قرار می‌گیرد، **ماهیت** و مفهومی که نشان دهنده هستی یا نیستی آن موضوع است و در جایگاه محمول قرار می‌گیرد **وجود** و **هستی** نامیده می‌شود.

مثال **فیل وجود دارد** ← فیل، «ماهیتی» است که محمول «وجود» بر آن حمل شده است.

ماهیت هستی
(چیستی) (وجود)

نکته استفاده از ضمائر اشاره مانند «این» و «آن» و نظایر آن نشان می‌دهد که مفهوم وجود برای شیء یا مفهوم مدنظر ما ثابت شده است و به دنبال شناخت «ماهیت یا چیستی» آن مفهوم هستیم؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم این موجود چه ویژگی‌های مخصوصی دارد که آن را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

مثال این چیست؟ ← این حیوان بزرگ و تنومند، فیل نام دارد.

نتیجه‌گیری

انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند (با آن مواجه می‌شود)، دو جنبه می‌یابد:

۱ وجود (هستی): وجه مشترک موجود است.

۲ ماهیت (چیستی): وجه اختصاصی موجود است.

مثلاً وقتی حیوانی را می‌بینیم هم به وجود داشتن آن و هم به ماهیت و ویژگی‌های آن پی می‌بریم و به عبارت دقیق‌تر، ابتدا وجود هر چیزی را اثبات می‌کنیم و بعد به بررسی ماهیت آن می‌پردازیم.

مغایرت وجود و ماهیت

• فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز و تفاوت میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح کرد. ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند مثل اکسیژن و هیدروژن که دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند یا حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که بگوییم کاغذ، سفید است یا رنگ دیگری است.

نکته در واقع تفاوت وجود و ماهیت در ذهن است نه در عالم خارج؛ یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت «انسان» که ماهیت است و «وجود» فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و «الاً» در عالم خارج تفاوتی بین وجود و ماهیت نیست؛ یعنی در عالم خارج، وقتی به «انسان» اشاره می‌کنیم دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛ به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود انسان» دو مفهوم مختلف و متفاوت در ذهن هستند نه دو موجود جداگانه در عالم خارج.

(صفحه ۴ کتاب درسی) - **تکمیل گزاره‌ها**

سؤال ۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی»‌شان خبر داریم؛ مانند:

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی»‌شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

۳ «چیستی»‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

پاسخ ۱ آب، میوه‌ها، حیوانات و ...

۲ جاذبه، انرژی، روح، نور و ...

۳ پری دریایی و سایر موجوداتی که در افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی آمده‌اند.

نکته از مغایرت وجود و ماهیت با تعابیر دیگری مانند «زیادت وجود بر ماهیت در ذهن» یا «عدم عینیت وجود و ماهیت در ذهن» نیز یاد می‌شود.

• به این دو قضیه توجه کنید: **۱** انسان، حیوان ناطق است. **۲** انسان، موجود است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» که محمول قضیه است تعریف شده است؛ در واقع انسان همان حیوان ناطق است یعنی حیوان ناطق بودن از انسان جدایی‌ناپذیر است مانند مثلث که برای شکل سه ضلعی استفاده می‌شود.

در این نوع تعریف، فقط تفاوت موضوع و محمول در گستردگی استفاده از مفاهیم است مثلاً لفظ انسان، مختصراً از لفظ حیوان ناطق است. بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» حمل چیستی و ذاتیات خود او است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید دقیقاً مانند حمل سه‌ضلعی بر مثلث. اما در عبارت «انسان، موجود است» برای این‌که مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان، موجود است». بنابراین در این نوع قضایا، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است مانند قضایای «انسان شیر است» یا «انسان مخلوق است».

نکته این دلیل می‌تواند از طریق **حس** یا **تجربی** به دست آید یا از طریق **عقل محض**. سایر ماهیت‌ها و چیستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود، همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی‌ها، با مفهوم وجود، مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. برای فهم بهتر این مطالب، به توضیحات زیر دقت کنید:

نکته مفهومی

گاهی موضوع و محمول از جهت «مفهوم» و «مصادق» با یکدیگر وحدت دارند و فقط از جهت اجمال و تفصیل (اختصار یا گستردگی توضیح و تبیین) با یکدیگر اختلاف دارند. مثلاً «حیوان ناطق» و «انسان» از نظر مصادق و مفهوم یکسان هستند ولی فقط مفهوم توضیح انسان، مختصراً از توضیح مفهوم حیوان ناطق است. گاهی نیز موضوع و محمول از نظر «مفهوم» مختلف هستند اما در مصادق وحدت و اشتراک دارند. این امر به این دلیل است که در اصطلاحات عرفی و رشته‌ها و صنایع علمی و ادبی این نوع تعریف، رواج و شیوع دارد مثلاً در قضیه «انسان موجود است»، «انسان» و «موجود» دو مفهوم مختلف هستند ولی «انسان» از مصادیق انواع «موجودات» محسوب می‌شود.

بررسی (صفحه ۶ کتاب درسی) - بررسی

سؤال اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

پاسخ بله قطعاً مشکل ساز می‌شود! چون در این صورت به محض این‌که چیزی را تصور می‌کردیم (یعنی ماهیت آن برای ما مشخص می‌شد) باید وجودش هم اثبات می‌شد در حالیکه این چنین نیست مثلاً با این‌که ماهیت و چیستی سیم‌رغ یا ققنوس برای ما مشخص است ولی می‌دانیم که وجود و هستی ندارند. بنابراین وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر مغایرت دارند (یا به عبارتی دیگر، مفهوم وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر عینیت ندارد).

بازبینی (صفحه ۶ کتاب درسی) - بازبینی

سؤال به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ‌اند؟

۲ کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

پاسخ ۱ بله، همه گزاره‌ها با بیان ابن سینا هماهنگ هستند و تضادی با قول ایشان ندارد.
۲ گزاره‌های دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می‌رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می‌شناسیم اما ماهیت آن‌ها روشن نیست. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می‌توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می‌آوریم.

گذری تاریخی (سیر تاریخی مغایرت وجود و ماهیت)

- به علت توجه خاص ابن سینا این بحث به عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عناوین مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
- آکوئیناس همچون ابن سینا، این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

نکته: از قرن ۱۶ میلادی، با رشد تجربه‌گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های **حسن‌گرا** و **تجربه‌گرا** دادند و فرصت رشد و گسترش بیشتر پیدا نکردند. نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

(صفحه ۷ کتاب درسی) - **به کار ببندیم**

سؤال ۱ قضیه انسان موجود است را با کدام یک از فضای زیر می‌توان مقایسه کرد؟

- ۱) انسان بشر است.
- ۲) انسان حیوان است.
- ۳) انسان مخلوق است.
- ۴) شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟
- ۵) به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟
۱. انسان حیوان است.
۲. انسان شیر است.
۳. انسان عجل است.
۴. انسان ناطق است.
۵. انسان موجود است.
۶. آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

پاسخ ۱ قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است؛ زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان، نیازمند دلیل است؛ اما بشر و حیوان، ذاتی انسان هستند و دلیل نمی‌خواهند.

۲ این تمرین گویای آن است که انسان، میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با این‌که می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود چیست؛ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود، شک و تردید دارد که چه ماهیتی است اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.

۳ ۱. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۲. حمل ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج، شیر و انسان یکی هستند. / ۳. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۵. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۶. سه ضلعی، ویژگی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.

درس در یک نگاه





برای مشاهده فیلم
شب امتحان این درس
اسکن کنید.

سؤالات تشریحی

درس اول: هستی و چیستی

سؤالات صحیح / غلط

۱. حمل «جسم» بر «مداد» و «خودکار» به دلیل نیاز دارد. (خرداد ۱۴۰۰)
۲. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (شهریور ۱۴۰۰)
۳. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. (دی ۱۴۰۰)
۴. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها است. (خرداد و شهریور ۹۹)
۵. میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار است. (دی ۹۹)
۶. وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (دی ۹۹)
۷. «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.
۸. دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی پذیرند.
۹. دو عبارت «هر انسانی حیوان ناطق است.» و «هر حیوان ناطقی انسان است.» هر دو صادق اند.
۱۰. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد.
۱۱. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.
۱۲. میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست.
۱۳. «آگوستین» از طریق فلسفه ابن سینا؛ برهان «وجود و امکان» را در اروپا گسترش داد و موجب گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
۱۴. توماس آکوئیناس؛ پایه‌گذار مکتب فلسفه تومیس در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
۱۵. فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه افلاطونی آشنا شدند.
۱۶. چون موضوع دانش فلسفه، وجود است، بنابراین فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.
۱۷. دو مفهوم وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۱۸. در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.
۱۹. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند اما نمی‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.
۲۰. برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست.
۲۱. «چیستی» های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ درحالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند.
۲۲. به ویژگی‌های مخصوص به خود موجودات که آنها را از دسته دیگر موجودات متمایز می‌کند در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند.
۲۳. وجود و ماهیت هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۲۴. ابن سینا برای اثبات عینیت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرده است.
۲۵. حمل دارای اضلاع و متساوی‌الاضلاع بر مثلث به دلیل نیاز دارد.
۲۶. اگر فرض کنیم مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، آنگاه امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.

سؤالات جای خالی

۲۷. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از اشیاء آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰)
۲۸. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، بوده است. (شهریور ۹۹)

۲۹. توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، نظریه را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود. (دی ۹۹)
۳۰. همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آن‌ها از جهت می باشد. (دی ۹۸)
۳۱. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می دهد که از وجود اشیا آگاه است اما از آنها آگاه نیست.
۳۲. ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده آن شیء است.
۳۳. در عبارت «آهو حیوان است»، «آهو» و «حیوان» دو مختلف و متفاوت از یک موجود هستند نه دو امر جداگانه.
۳۴. موضوع دانش فلسفه است.
۳۵. فلسفه، مسائل پیرامون را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را می گویند.
۳۶. دو مفهوم و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.
۳۷. وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آن‌ها است.
۳۸. در عبارت «انسان موجود است»، «انسان» و «وجود» دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه.
۳۹. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل است و به نیاز ندارد.
۴۰. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» است و تعریف آن قرار نمی گیرد.
۴۱. در عبارت «انسان موجود است» میان انسان به عنوان یک و وجود رابطه ذاتی برقرار
۴۲. حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است از طریق حس و به دست آید یا از طریق
۴۳. فرق بین ماهیت و وجود، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان قرار گرفت.
۴۴. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در اروپا ترویج کرد، بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود.
۴۵. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه آشنا شدند.

سؤالات دوگزینه‌ای

۴۶. در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با کدام فلسفه آشنا شدند؟ (خرداد ۱۴۰۰ و دی ۹۹)
- ۱ افلاطون
۲ ارسطو
۴۷. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به چه چیزی از اشیا پی برده است؟ (دی ۱۴۰۰)
- ۱ وجود
۲ ماهیت
۴۸. کدام اصل، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفته است؟ (خرداد ۹۹)
- ۱ مغایرت وجود و ماهیت
۲ تقدم علت بر معلول
۴۹. قضیه «زمستان سرد است» را با کدام قضیه می توان مقایسه کرد؟
- ۱ پلاتین فلز است.
۲ انسان فانی است.

کشف ارتباط

۵۰. هریک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف. وجه مشترک همه موجودات	۱. از جهت مفهوم
ب. وجه اختصاصی همه موجودات	۲. توماس آکوئیناس
ج. پایه‌گذار مکتب فلسفه «تومیسیم»	۳. وجود
د. تفاوت وجود و ماهیت	۴. ماهیت
ه. برهان خداشناسی ابن سینا	۵. وجوب و امکان

سؤالات پاسخ کوتاه

۵۱. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟
(خرداد ۱۴۰۰ و دی ۹۹)
۵۲. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریه مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده اند، نام ببرید.
(دی ۱۴۰۰)
۵۳. موضوع دانش فلسفه چیست؟
۵۴. چرا اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می گویند؟
۵۵. یکی از مباحث اولیه فلسفه چه بود؟
۵۶. وجه مشترک و وجه اختصاصی همه موجودات را بنویسید.
۵۷. به ترتیب، کدام فیلسوف مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه ای کرد و کدام فیلسوف راه وی را ادامه داد؟
۵۸. به نظر ابن سینا، دلایل حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» از چه طریقی به دست می آید؟
۵۹. یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چه نام دارد؟
۶۰. یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به چه بهرانی معروف است؟
۶۱. توماس آکوئیناس کدام اصل را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد؟
۶۲. فلسفه ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی در اروپا پایه گذاری نمود، به دیدگاه های کدام فیلسوفان مسلمان متکی بود؟
۶۳. مکتب فلسفی ای که توماس آکوئیناس پایه گذار آن در اروپا شد چه نام دارد؟
۶۴. فلاسفه غرب از چه طریقی توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند و ارتباط برقرار کنند؟

سؤالات پاسخ بلند

۶۵. چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر مثلث نمی توان از دلیل حمل سؤال کرد؟
(شهریور ۱۴۰۰)
۶۶. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید.
(خرداد ۹۹)
۶۷. تفاوت حمل «شکل سه ضلعی است» بر مثلث با حمل «موجود» بر مثلث چیست؟ توضیح دهید.
(شهریور ۹۹)
۶۸. در قضیه «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر انسان نیازمند دلیل است یا خیر؟ چرا؟ / یا آیا می توان پرسید چه عاملی باعث می شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟ چرا؟
(دی ۹۹ خارج کشور)
۶۹. علت اینکه تعیین نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی اشیا و موجودات یکی از مباحث اولیه فلسفه می باشد، چیست؟
۷۰. یک کودک به هنگام مواجه شدن با حیوانات می پرسد: «این حیوان» چیست؟ کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» می خواهد چه چیزی را نشان دهد؟
۷۱. منظور ابن سینا از این سخن که «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند را با ذکر مثال توضیح دهید.
۷۲. در عبارت «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» از چه جهتی است؟
۷۳. با توجه به عقیده ابن سینا، توضیح دهید که آیا فهم ما از قضیه «انسان حیوان ناطق است» با فهم ما از قضیه «انسان موجود است» یکسان است؟ چرا؟
۷۴. رابطه بین دو مفهوم «انسان» و «وجود» چگونه است؟
۷۵. چرا نمی توان پرسید چه عاملی باعث می شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟
۷۶. آیا می توان پرسید چه عاملی باعث می شود «وجود» را بر «انسان» حمل کنیم؟ توضیح دهید.
۷۷. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چگونه حملی است؟ و چرا به دلیل نیازمند نیست؟
۷۸. با توجه به عقیده ابن سینا، توضیح دهید، چرا در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد؟
۷۹. مقصود از این سخن که تفاوت «انسان» و «حیوان ناطق» صرفاً در اجمال و گستردگی شان است؛ چیست؟
۸۰. آیا حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» از نظر نسبت، مانند حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» است یا خیر؟ چرا؟

۱	غلط	۲	صحیح	۳	غلط
۴	غلط	۵	غلط	۶	غلط
۷	صحیح	۸	غلط	۹	صحیح
۱۰	صحیح	۱۱	صحیح	۱۲	صحیح
۱۳	غلط	۱۴	صحیح	۱۵	غلط
۱۶	صحیح	۱۷	صحیح	۱۸	صحیح
۱۹	غلط	۲۰	صحیح	۲۱	صحیح
۲۲	صحیح	۲۳	غلط	۲۴	غلط
۲۵	غلط	۲۶	صحیح	۲۷	وجود(هستی)
۲۸	توماس آکوئیناس				
۲۹	فرق وجود و ماهیت				
۳۰	ماهیت (چیستی)				
۳۱	ماهیت (چیستی)				
۳۲	ذاتیات				
۳۳	مفهوم (معنا)				
۳۴	وجود				
۳۵	وجود- وجودشناسی				
۳۶	هستی - چیستی (وجود و ماهیت)				
۳۷	وجود - ماهیت	۳۸	مفهوم - موجود		
۳۹	ذاتی - دلیل و علت	۴۰	جدا - جزء		
۴۱	چیستی - نیست				
۴۲	تجربه - عقل محض				
۴۳	وجود و امکان	۴۴	ابن سینا - ابن رشد		
۴۵	ارسطویی	۴۶	گزینه «۲»		
۴۷	گزینه «۱»	۴۸	گزینه «۱»		
۴۹	گزینه «۲».				
	(در عبارت «پلاتین فلز است» حمل «فلز بودن» بر «پلاتین» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «سردی» بر «زمستان» در عبارت «زمستان سرد است» و حمل «فانی بودن» بر «انسان» در عبارت «انسان فانی است» حمل ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.)				
۵۰	الف) ۳ ب) ۴ ج) ۲ د) ۱ ه) ۵				
۵۱	وجود(هستی) و ماهیت(چیستی)				
۵۲	ابن سینا- توماس آکوئیناس				
۵۳	وجود (مطلق وجود)				
۵۴	زیرا فلسفه، وجود و مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.				
۵۵	درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است.				
۵۶	وجود، وجه مشترک و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است.				
۵۷	فارابی - ابن سینا				

۵۸	از طریق حس و تجربه و یا از طریق عقل محض به دست می‌آید.
۵۹	فرق بین ماهیت و وجود
۶۰	برهان وجود و امکان
۶۱	اصل مغایرت وجود و ماهیت
۶۲	بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد
۶۳	تومیسیم
۶۴	از طریق ابن سینا و ابن رشد
۶۵	زیرا «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.
۶۶	در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.
۶۷	در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «مثلث» در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.
۶۸	خیر؛ زیرا «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.
۶۹	زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۷۰	کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» آن حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی‌شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند.
۷۱	به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند. بلکه منظور این است که آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارتی: «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.
۷۲	تفاوت «انسان» و «وجود» از جهت مفهوم است یعنی «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند. انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیستی (انسان) و هستی (وجود داشتن انسان) را به دست می‌آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم.

جهان ممکنات

دوس
۲

۸۱ صحیح	۸۲ غلط	۸۳ صحیح
۸۴ صحیح	۸۵ صحیح	۸۶ صحیح
۸۷ غلط	۸۸ صحیح	۸۹ صحیح
۹۰ صحیح	۹۱ غلط	۹۲ غلط
۹۳ صحیح	۹۴ صحیح	۹۵ صحیح
۹۶ غلط	۹۷ غلط	۹۸ صحیح
۹۹ غلط	۱۰۰ غلط	۱۰۱ صحیح
۱۰۲ امکانی	۱۰۳ بالغیر	۱۰۴ ضروری و وجوبی
۱۰۵ امتناعی	۱۰۶ ضروری - وجوبی	
۱۰۷ امتناعی	۱۰۸ سه - وجوبی / امکانی / امتناعی	
۱۰۹ وجوبی - امکانی - امتناعی	۱۱۰ ذات - ماهیت	
۱۱۱ امکانی	۱۱۲ امکانی	
۱۱۳ ممکن الوجود	۱۱۴ ذاتاً	
۱۱۵ علت (تامه) - وجود		
۱۱۶ ممکن الوجود - واجب الوجود بالغیر		
۱۱۷ واجب الوجود بالغیر	۱۱۸ واجب الوجود بالغیر	
۱۱۹ بالغیر - امکانی	۱۲۰ گزینه «۱»	
۱۲۱ گزینه «۱»		
۱۲۲ الف) ۲ ب) ۵	ج) ۱	
۳) د ۴) ه		
۱۲۳ الف) رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری)		
ب) انسان شاعر است. (هر مثال مناسب دیگری)		
ج) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن)		
۱۲۴ آ) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن)		
ب) رابطه امکانی (ج) رابطه امکانی		
۱۲۵ آ) رابطه امکانی		
ب) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن)		
ج) رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری)		
۱۲۶ آ) امکانی ب) امتناعی		
۱۲۷ آ) امتناعی ب) وجوبی	ج) امکانی	
۱۲۸ آ) ممتنع ب) ممکن	ج) ممکن	
د) واجب		
۱۲۹ آ) امکانی ب) امکانی	ج) امتناعی	
۱۳۰ آ) امکانی ب) امتناعی	ج) امکانی	
۱۳۱ واجب الوجود بالغیر		
۱۳۲ سه رابطه؛ رابطه وجوبی، رابطه امکانی و رابطه امتناعی		
۱۳۳ رابطه برخی از این موضوع‌ها با «وجود» می‌تواند رابطه امکانی، وجوبی یا امتناعی باشد.		
۱۳۴ رابطه ضروری	۱۳۵ رابطه امکانی	
۱۳۶ رابطه امتناعی	۱۳۷ رابطه امکانی	

۷۳ | خیر. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ و در حقیقت «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان است و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می‌باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به عبارت دیگر، این دو مفهوم یعنی «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی‌ای» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۷۴ | در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. حال، این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض.

۷۵ | چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» جزء چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۷۶ | بله؛ چون مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست. پس برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «ماهیت» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم که «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض.

۷۷ | حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی و ضروری» است، چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و لذا به دلیل نیاز ندارد.

۷۸ | زیرا میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۷۹ | مقصود این است که حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و «انسان» همان اجمال «حیوان ناطق» می‌باشد.

۸۰ | بله؛ زیرا همان‌طور که حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» یک حمل ذاتی و ضروری است، حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» نیز یک حمل ذاتی و ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. (توضیح آنکه وقتی سؤال می‌کنیم «آیا هر مربعی دارای دو قطر مساوی است؟» یا «آیا هر مستطیلی دارای زاویه است؟» پاسخ آنها مثبت (بله) خواهد بود.)